فهرست

[مقدمه 2](#_Toc120086897)

[نکته تکمیلی اول 2](#_Toc120086898)

[نکته تکمیلی دوم 2](#_Toc120086899)

[مبحث چهارم 6](#_Toc120086900)

[مبحث پنجم 8](#_Toc120086901)

[مبحث ششم 8](#_Toc120086902)

[مبحث هفتم 8](#_Toc120086903)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / ادخال سرور

# مقدمه

عرض شد تفریج کرب و زدودن غم از دل دیگران استحباب آکدی دارد به دلیل آن‌که افزون بر ادخال سرور آن را می‌گیرد منطوقاً او مفهوماً طایفه کثیره‌ای از روایات داریم که تفریج کرب را توصیه کرده‌اند و در ذیل روایات باب 29 در وسائل و روایاتی که در مستدرک بود مفاهیمی مثل همّ و کرب و لهفان آمده است و در جلسه قبل به این لغات اشاره شد. یکی دو نکته تکمیلی در ذیل روایات اشاره‌کنیم در ادامه بحث قبل.

# نکته تکمیلی اول

در بخش زیادی از این روایات تفریج کرب از مؤمن آمده بود ولی درعین‌حال در چهار پنج روایت از مستدرک مسلم هم آمده بود اگر آن‌ها را قبول کنیم شمول این ادله فراتر از مؤمن بعید نیست اما روایتی که غیرمسلمان را هم بگیرد من ندیدم گرچه ممکن است بین این سی روایت دیده شود ولی عمدتاً مؤمن است و برخی هم مؤمن است.

سؤال: اطلاقات روایاتی که می‌گوید حتی حیوانی را انسان کمک کند

جواب: ادخال سرور مطلق است و این روایات خاص که تأکید ویژه‌ای می‌آورد دست ما باز نیست ولی تنفیس غم یک انسانی ولو مسلمان‌ هم نباشد استحباب دارد قبول داریم ولی به عناوین عامه مثل بر و احسان و حتی ادخال سرور داشتیم ولی در تفریج کرب که بار اضافه‌ای دارد در این طایفه ما چیزی پیدا نکردیم و احتمالاً تأکد به مؤمن و مسلم دارد.

سؤال: ...

جواب: بله یکی دو تا شاید پیدا شود ولی سندش هم تام نیست در مسلم تعدد دارد و می‌توان پذیرفت ولی در آن‌ها سند تامی ندارد اگر هم نباشد اطلاقات ادخال سرور که شامل غم‌زدایی هم می‌شود در جای خود محفوظ است درعین‌حال در مورد مؤمن خیلی تأکید دارد و در مورد مسلم بعید نیست.

این‌یک نکته‌ای که در ادامه بحث تفریج کرب بود.

# نکته تکمیلی دوم

ممکن است کسی بگوید همه این تعابیری که در تنفیس کرب و تفریج کرب و همّ آمده است کنایه‌ای از اقدام عملی است نه خود این حالت روحی معالجه این حالت روحی. در برخی از این روایات این‌جور بود که نفس کربه و اعانه کسی که مقصود اصلی است همان کمک کردن شخص است اندوهگین شخص به دلیل این است که کارش مشکلی دارد رفع گیر عملی و عون او و اعانه در این‌که سیر بشود یا ازدواج کند یا قرضش ادا شود مستحب است و روایت هم داریم که ادا قرض مؤمن مستحب است ممکن است کسی بگوید عناوینی که در این روایات آمده است عناوین مشیر است و موضوعیت همان اقدامات فیزیکال است و اقدامات خارجی در عالم خارج است. این‌ها همه از باب مقدمه است و عنوان مشیر به این‌ها است. پاسخ این واضح است ما به‌وضوح در روایات می‌بینم که تأکید شده است به این حال روحی و اصل موضوعیت آن‌ها است و شاهد آن این است که در مواردی غم‌زدایی و درمان غم و حزن و اندوه شخص می‌شود بدون این‌که کار خارجی انجام شود این‌ها داخل در این روایات حتماً هست. موضوعیت دارد هم ادخال سرور هم تفریج کرب موضوعیت دارند و مواردی هم پیدا می‌شود که انطباق بر کمک‌های مادی و فیزیکی و عینی ندارد یعنی نه تشنگی را برطرف می‌کند نه گرسنگی او را برطرف می‌کند نه قرض او را ادا می‌کند و... ولی با یک مشاوره گره‌ای از او باز می‌کند مثل کسی که مصیبت‌زده است را آرام می‌کند. اگر ما بگوییم این تنفیس کرب و تفریج کرب علاقه مشیر به آن اقداماتی است که روایات متعدد در هرکدامش هست به این معناست که مواردی که تنفیس و تفریج انجام می‌شود ولی در فهرست کمک‌های عینی و مادی قرار ندارد مشمول ادله نیست درحالی‌که این‌گونه نیست.

سؤال: مشاوره دادن خودش یک فعل خارجی نیست؟

جواب: فعل خارجی غیر از نیاز خارجی اوست آنچه در اینجا احتمال داده می‌شد این بود که بگوییم تفریج کرب این است که نیاز مادی او را تأمین کند بله البته تنفیس کرب و تفریج کرب با مشاوره یا خیرخواهی یک نیازی از او تأمین می‌کند ولی نیاز فیزیکی نیست و فراتر از آن است ما می‌خواهیم بگوییم در عنوان ادخال سرور به‌طور مطلق و در تفریج کرب به‌طور خاص هدف این است که از جهت روحی او خوشحال شود غم از دل او برداشته شود و این استقلال دارد موضوعیت مستقله دارد که گاهی با تأمین نیازهای مادی این محقق می‌شود مثل ادای قرض یا تأمین مسکن این‌ها عناوینی است که ادله خاصه دارد و همین موجب آسایش روحی او هم شده است دو عنوان در اینجا جمع است گاهی هم هیچ‌کدام نیست و فقط ادخال سرور و تفریج کرب است و این خودش مستقلاً موضوعیت دارد.

بنابراین دو احتمال در اینجا وجود دارد:

1-ممکن است کسی بگوید تفریج و تنفیس کرب و زدودن غم عنوان مشیر است به چیزهایی که در جای دیگر گفته‌شده است مثل ادای قرض و کمک به شخص در ازدواج و مسکن یا در مریضی‌های جسمی که دارد این اشاره به آن دارد و چیز جدیدی در آن نیست.

2- این عنوان مستقلاً موضوعیت دارد که گاهی با عناوین فیزیکی و سایر عناوین اجتماع دارد و موجب تأکد است و گاهی هم از آن‌ها جدا است مثل مشاوره دادن که گرهی از قبل او باز می‌کند ولو این‌که مسکن نداده است و قرض او را ادا نکرده.

سؤال: مصداق اعانه که هست؟ پس مشیر به اعانه می‌شود ؟

جواب: بله اعانه هست. اعانه مفهوم عام است و خیلی بعید است که مشیر به اعانه شود کسی که بگوید این چیزی جز کمک‌های متعددی که جاهای دیگر گفته‌شده است نیست. می‌گوید کمکش بکن مثلاً «فَنَفَّسَ كَرْبَهُ وَ أَعَانَهُ عَلَى نَجَاحِ حَاجَتِهِ».[[1]](#footnote-1) که ظاهرش این است که گرفتاری دارد که آن را برطرف کند ممکن است کسی بگوید نفس کربته مقدمه آن است ولی ما میگوییم نه، بلکه به‌طور خاص و مستقلاً نفس کربته و فرّجَ همّه دارد و تفریج همّ موضوعیتی دارد ولو این‌که حاجت فیزیکی او را برطرف نکند. این‌که بگوییم این مصداقی از اعانه است جوابش این است که عنوان عام با عنوان خاصی که ذیل آن قرار بگیرد اصل این است که خاص مستقلاً موضوعیت دارد. اکرم العالم و اکرم العالم العادل می‌گفتیم اکرم العالم العادل ممکن است مثال باشد یا ممکن است بار اضافه‌ای داشته باشد می‌گفتیم اصل این است که بار اضافه دارد.

سؤال: اعانه را اعانه مادی می‌داند؟

جواب: نه اگر اعم دلیل داشت و اخص هم دلیل داشت . اکرم العالم و اکرم العالم العادل می‌گفتیم اکرم العالم العادل ممکن است مثال باشد یا ممکن است بار اضافه‌ای داشته باشد می‌گفتیم اصل این است که بار اضافه دارد. یعنی اجتماع عالم و عادل عنوان ترکیبی بار جدید دارد و فقط مصداق نیست در اینجا هم همین را می‌گوید.

سؤال: ...

جواب: دو شبهه است

سؤال: از منظر این‌که شبهه اعانه هم قابل‌طرح است و ...

جواب: بله قابل‌طرح است دو حرف داشتیم یکی اینکه ممکن است کسی بگوید نفس کربته عنایتی به غم‌زدایی به‌طور مستقل ندارد و اشاره می‌کند که قرضش را بده یا زمینه ازدواجش را فراهم کن و کمک‌های متعددی که عناوین خاص دارد در یک عنوان جمع کرده است ولی اصل این است که این عنوان موضوعیت دارد و عنوان روحی است که طرف حکم قرارگرفته است. ولی یک نکته دیگری که شما می‌فرمایید یک نوعی از اعانه است منتها اعانه خاص عنوان خاص دارد تنفیس کرب و تفریج هم اعانه خاصی است که تأکد دارد همه این‌ها به اصل پایه اصولی برمی‌گردد که اصل موضوعیت عناوین است اصل این است که عنوان موضوع است و مستقل است و خود آن ملحوظ در خطاب است این اصلی است که فروعی بر آن مترتب می‌شود ازجمله همین‌هایی که عرض کردیم همه این‌ها برای تأکید بر این است که در نظام خدمت‌رسانی به دیگران اسلام هم به تأمین نیازهای مادی توجه دارد و هم به گشودن گره‌های روحی و روانی اشخاص توجه دارد در غالب ادخال سرور و تفریج همّ و تنفیس کرب. من چند سخنرانی در مورد نظام خدمت‌رسانی دارم که ده قاعده دارد در اسلام که یکی از آن‌ها توجه به نیاز مادی و فیزیکال و توجه به احوال روحی است .

ممکن است کسی به‌عکس بگوید و همه بحث‌های مادی برای این است که نشاط روحی لازم داشته باشد و اطلاقات آن را تقیید بزند و بگوید قرض دیگری را ادا کنی تأکید شده است ولی اگر کسی ناراحت می‌شود از این کار آیا ادله این را هم می‌گیرد؟ در این‌طرف ممکن است کسی ادعا کمک‌های مادی و تأمین نیازهای مادی از قبیل ازدواج و قرض و کذا و کذا اطلاق ندارد و منصرف به‌جایی است که شخص خوشحال می‌شود یا لااقل ناراحت نمی‌شود. حال روحی طرف را ملاحظه کردن در نظام ارتباطی اسلام باید مهم شمرده شود.

سؤال: مؤید آن‌هم **﴿لا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ﴾**[[2]](#footnote-2) است.

جواب: بله این هم دو رتبه دارد یکی اینکه بگوییم موجب آزاری نشود یا اینکه باید خوشحال شود و اگر خوشحال نشود این ادله آن را نمی‌گیرد البته ممکن است و احتمال است و برای این‌که آن‌طرف را تثبیت کنم این را مطرح می‌کنم.

ارزش احوال روحی و آرامش روانی در این نظام ارتباطی اسلام نشان می‌دهد ازاین‌جهت تفریج کرب و ادخال سرور مفاهیمی است که با احوال روحی شخص سروکار دارد و درجایی که اقدامی انجام می‌دهد که مشمول آن عناوین است و تنفیس کرب هم هست این‌ها عناوین تعدد دارد و موجب تأکد می‌شود مگر این‌که بگوییم در آن‌ها مراد تنفیس کرب است در این صورت آن‌ها از موضوعیت ساقط می‌شود.

به‌عبارت‌دیگر به تقریر جدیدی از بحث میگوییم همه ادله‌ای که در ارتباط با اعانه دیگران و یاری و کمک و بر و احسان به دیگران است به دو نوع تقسیم می‌شود:

1. یکی اعانه و بر و احسان فیزیکی خارجی که نیاز مادی را برطرف می‌کند
2. اعانه و بر و احسانی که به مسائل روحی شخص توجه دارد و مشکلات روحی او را برطرف می‌کند

برای نسبت این‌ها سه احتمال وجود دارد:

1-این‌هایی که می‌گوید تنفیس کرب و ادخال سرور، عناوینی که در قسم دوم آمده است و مربوط به تأمین نیازهای روحی طرف است موضوعیت ندارد و مشیر به اقدامات خارجی است به قسم اول.

2-کسی بگوید آن‌ها موضوعیت ندارد قرض او را بده یعنی او را خوشحال کن موضوعیت ندارد.

3-باید ظاهر هرکدام را بگیریم و اگر اجتماع باشد اجتماع دو عنوان است و اگر جدا شود خودش جدا ارزش دارد که طیفی از احتمالات در دو طرف است.

مقایسه بر و احسان و اعانه دیگر آن‌که یک گروه مربوط به تأمین نیازهای مادی است و گروه دوم مربوط به رسیدگی‌های روحی است سه احتمال در قیاس این دو باهم هست.

سؤال: اصل بر این است که هر دو موضوعیت دارند؟

جواب: بله ما این را میگوییم

سؤال: ...

جواب: آن روش است.

سؤال: با توجه به این‌که سرور و کرب دو عوارض نفسانیه هستند و به نظر می‌رسد احتمال دوم درست باشد به این جهت که این‌ها از عوارض نفسانیه هستند و روایات هم‌روی همین کبری دست گذاشته‌اند. مثل ادای قرض.

جواب: شما می‌خواهید موضوعیت عناوین فیزیکی را بگیرید که بعید است می‌شود شواهدی پیدا کرد ولی قابل توجیه است و در حدی نیست که آن را از موضوعیت ساقط کند.

سؤال: ارتکاز کمک نمی‌کند به ظهور روایت؟

جواب: بله درست است این‌که کسی مریض است او را معالجه کنی شاید خیلی خوشحال هم نباشد که شما آنجا بودید اگر منت و اذیت شخص باشد مقید و انصراف دارد. ولی خوشحال هم نمی‌شود و ناراحت هم نمی‌شود این حتماً موضوعیت دارد.

سؤال: گاهی به تزاحم می‌خورد.

جواب: بله گاهی هم تزاحم می‌شود معلوم می‌شود که اطلاق محفوظ است و انصراف نیست و وقتی تزاحم می‌شود می‌گوید این بر آن مقدم است.

همه این‌ها برای نکته کلیدی و اساسی است که با این تحلیل اصولی که ما روی خطابات شارع در قواعد ارتباط‌جمعی می‌آوریم نتیجه‌ای که می‌گیریم به عنوان روح اسلام این است که اسلام به همه نیازها توجه دارد هم نیازهای مادی هم نیازهای روحی البته در بسیاری از موارد این‌ها باهم گره‌خورده است ولی گاهی هم از هم جدا می‌شود و اطلاقات ادله در جای خودش تأثیر می‌گذارد درجایی هم که باهم هستند اجتماع عناوین است و تأکد استحباب است.

سؤال: ...

جواب: بله همین‌طور است.

کل این‌ها در مبحث سوم بود که تفریج کرب به عنوان نوعی خاص از ادخال سرور یا موضوعی مستقل از ادخال سرور استحباب مؤکد دارد.

سؤال: از باب مستقل یک نکته است و از باب مؤکد نکته دیگری است شما فرمودید هر دو موضوعیت دارند حالا ثواب مستقل دارند یا بنابر ارتکازات تداخل می‌شود ولی تداخل به نحو تأکد است ؟

جواب: حکم مؤکد می‌شود اما ثواب به چه صورت است با خدا است لازم نیست بگوییم یک ثواب مؤکد است ممکن است ده تا ثواب بدهد.

سؤال: ...

جواب: این‌ها را بعداً میگوییم.

# مبحث چهارم

ادخال سرور یک عنوان عام به شکلی انتزاعی است یک فعل خاص را حکایت نمی‌کند. گاهی عناوین حاکی از فعل خاص است می‌گوید دست او را بگیر یا درمان کن این‌ها کار خاصی است ولی ادخال سرور شبیه مفاهیم انتزاعی فلسفی است مفهومی است که خیلی دایره صدق وسیع دارد و در مقام تطبیق انواع افعال می‌تواند ذیل این مفهوم قرار گیرد ادخال سرور فعل ماهوی خاص عالم خارج نیست اگر بخواهیم از اصطلاحات فلسفی وام بگیریم ما یک مفاهیم ماهوی داریم که ما به ازای معینی در خارج دارد به آن‌ها مفاهیم ماهوی یا معقول اول میگویند ولی مفاهیمی داریم از نوع دوم انتزاعی و معقولات ثانیه فلسفی که نوع خاصی ندارد و اینجا هم از آن قبیله است یعنی ادخال سرور یک فعل خاصی نیست که مصداق ادخال سرور باشد ادخال سرور یک مفهوم انتزاعی دارای طیف موسع است مفهوم جنسی خیلی عام وسیع است. ادخال سرور انواع افعال می‌تواند مصداق ادخال سرور بشود از این‌که به کسی قرض بدهی یا زمینه ازدواج او را فراهم کنی تا مصداق‌هایی که در دنیای امروز توسعه‌یافته است مثل مشاوره و امثال آن و ادخال سرور به‌این‌ترتیب یک مفهوم موسعی است که طیف گسترده‌ای از افعال و اعمال را در برمی‌گیرد و تا وقتی مصداق ادخال سرور باشد زیر سایه این مفهوم قرار می‌گیرد.

سؤال: ...

جواب: چرا فعل است دیگر

در ذیل این باید به این مطلب توجه کرد که شادی افراد که می‌خواهد تولید شود این مقوله نسبی است به تفاوت اشخاص و احوال و موقعیت‌ها تفاوت پیدا می‌کند ممکن است یک اقدام درجایی ادخال سرور باشد و در جای دیگر همین عمل ادخال کرب باشد پس باید به این نکته توجه کرد که دایره صدق این مفهوم بسیار وسیع است و در مواردی هم می‌تواند نسبی باشد درجاهایی ادخال سرور باشد و درجایی عنوان ضد آن باشد. بنابراین باید همین طیف را در نظر داشته باشیم که گاهی ادخال سرور با کمک‌های مادی است و گاهی هم با کمک مادی نیست و مقوله مشاوره‌های امروز در تولید شادی یا غم‌زدایی خیلی پیشرفت کرده است و می‌تواند مشمول این عنوان قرار بگیرد و ادخال سرور یعنی اقدامی که موجب زدودن غم می‌شود یا تولید شادی می‌شود این مفهوم عامی است در روایت که می‌تواند مصادیق متعدد در شرایط متفاوت پیدا کند با پیشرفت علم. مادامی‌که در زمره محرمات ما نباشد در دل این مفهوم قرار می‌گیرد. پس مفهوم کاملاً گسترده است و می‌تواند مصادیق متعدد در طول زمان پیدا کند.

سؤال: شامل احیا و اموات می‌شود

جواب: این مربوط به مخاطب است ادله‌ای که ما داشتیم این را بحث پنجم قرار دهید که اموات شامل ادله به ظاهرها نمی‌شود مگر این‌که دلیل حاکمی داشته باشیم که توسعه دهد ادله‌ای که ما ملاحظه کردیم که بر ادخال سرور بر مسلمان و مؤمن یا تفریج کرب از مؤمن یا از مسلمان انصراف به احیاء دارد اما ادله دیگری داریم که شما به زیارت اهل قبور که می‌روید آن‌ها را خوشحال می‌کند آن‌ها دلیل خاص است و بعید است که این روایات را از انصراف بی اندازد و تعمیم دهد ظاهراً این‌ها منصرف به احیاء است.

سؤال: نمی‌شود این‌گونه تقریر کرد که انصراف ناشی از عهد ذهنی است وقتی مؤمن را می‌آورد یا ادخال سرور را می‌آورد با زنده‌ها کارداریم ولی مرده‌ها این عهد ذهنی اصلاح بکنیم و بگوییم آن‌طرف عالم هم هنوز هست.

جواب: درست است

# مبحث پنجم

نکته‌ای که ایشان می‌گویند این است که منطق اسلام که به حیات برزخی قائل است و اطلاعات آن‌که در روایات وجود دارد و روایاتی که می‌گوید به زیارت اهل قبور بروید که آن‌ها خوشحال می‌شوند از این‌ها یک نکته‌ای استفاده کند که انصراف را بردارد و بگوید در این منطق و با این مقدمات که حیات برزخی قائل هستیم و نمونه‌هایی در روایات وجود دارد که فلان اقدام موجب خوشحالی آن‌ها می‌شود بگوییم انصراف ندارد و ادخال سرور و تفریج کرب میت را هم شامل می‌شود البته آنچه آن‌ها خوشحال کند ولی علی‌رغم این‌که این تقریر را عرض کردم آدم این روایات را که می‌خواند این به ذهنش نمی‌آید. بنابراین در پاسخ سؤال شما که ما مبحث پنجم قراردادیم این است که آیا این ادله و اطلاقات ادخال سرور و تفریج کرب شامل اموات هم می‌شود یا نه دو احتمال است یکی این‌که ظاهر روایات انصراف دارد و شامل اموات نمی‌شود و اگر دلیل خاص در آنجا باشد طبق آن انجام می‌شود که دلیل خاص داریم و احتمال دوم این است که از مقدمات و مبادی که اشاره شد استفاده شود که انصراف نیست و اطلاق دارد و آن‌ها را هم شامل می‌شود.

سؤال: در ایذا هم قابل‌بحث است؟

جواب: این سؤال در خیلی از مواردی که طرح کردیم و طرح خواهیم کرد مطرح می‌شود.

# مبحث ششم

متعلق این ادخال سرور افراد بالغ هستند یا غیر بالغ هم مشمول این‌ها است؟ خوشحال کردن بچه و کودک و دیوانه و کسانی که مکلف نیستند آن‌ها هم مشمول اطلاقات هستند یا خیر؟ ممکن است کسی بگوید مشمول نیستند چون عنوان مؤمن و مسلم داشت ولی احتمال درست این است که آن‌ها هم مشمول‌اند چون عناوین به این‌ها اختصاص نداشت و عناوین مطلقی داشتیم که همه انسان‌ها را می‌گرفت ضمن این ک مسلم و مؤمن فرزندان آن‌ها هم چون ملحق به آن‌ها هستند قائل بشویم که حتی این عناوین هم در آن‌ها صادق است. ضمن این‌که در کودک ادله خاص داریم هم ادله قولی وهم سیره که حتی ممکن است تأکد هم داشته باشد و اطلاقات هم بعید نیست نسبت به ممیز و غیر ممیز و حتی مجانین شمول داشته باشد.

# مبحث هفتم

این تفریج کرب و ادخال سرور و به‌خصوص تفریج کرب حکم پایه و اولی آن‌ها استحباب است ولی این‌ها می‌توانند با عناوین ثانوی و در شرایط خاص احکام دیگری بر آن‌ها مترتب شود تفریج کرب درجایی ممکن است واجب شود درجایی که اگر تفریج کرب نکند او در غم خود می‌ماند و افسرده می‌شود و خودکشی می‌کند و اینجا تفریج کرب واجب است چون احیای نفس است و نجات از غرق و خودکشی است. گاهی با عناوین جدید واجب می‌شود و گاهی هم همین تفریج کرب حرام می‌شود درجایی که تزاحم با چیز دیگری پیدا می‌کند اگر تفریج کرب کند او نشاطی پیدا می‌کند و رذیلت‌هایی انجام می‌دهد.

سؤال: از باب سببیت است؟

جواب: اعانه بر ظلم می‌شود اگر ادخال سرور تبدیل به کرب شد او ظلمی انجام می‌دهد این از باب تزاحم است.

سؤال: تداخل هم قابل فرض است درجایی که صله‌رحم هم هست و ادخال سرور می‌شود

جواب: بله اجتماع عناوین که خیلی زیاد است.

بنابراین یک مطلب این است که عنوان تفریج کرب می‌تواند با عناوین دیگر جمع شود یکی دیگر این‌که حکم استحباب حکم پایه‌ای است که می‌تواند محکوم به چهار حکم دیگر شود درجایی واجب شود درجایی حرام شود یا گاهی هم مکروه شود یا مباح باشد هم تأکد استحباب متصور است هم تغییر عنوان حکم به چهار حکم دیگر متصور است.

سؤال: مصداق بارز آن‌هم خود ائمه معصومین هستند ادخال سرور در آن‌ها...

جواب: تأکد تعدد عناوین واضح است یک فعل هزار عنوان مستحب بر آن مترتب می‌شود. این‌که ما الآن تأکیدداریم این است که این می‌تواند تغییر پیدا کند و استحباب به کراهت یا وجوب یا حرمت یا اباحه شود

سؤال: ...

جواب: مثل هرجایی که در عنوان ثانویه هرچه می‌گوید اینجا هم همان را می‌گوید

1. [مستدرك الوسائل، المحدّث النوري، ج12، ص414.](http://lib.eshia.ir/11015/12/414/لحوائج) [↑](#footnote-ref-1)
2. سوره بقره، آیه 264. [↑](#footnote-ref-2)